

مسیح و مارکس؛

انجیل و مانیفست

صد و پنجاه سال پیش - فوریه ۱۸۴۸ میلادی - «مانیفست کمونیستی» نوشته مارکس و انگلس انتشار یافت. روزنامه آلمانی فرانکفورتر آلگمانه بدین خاطر از ریچارد رورتی فیلسوف امریکایی و اندیشه پرداز لیبرالیسم تقاضا کرد که این کتاب را با توجه به تجربه یک قرن گذشته دوباره خوانی کند. ریچارد رورتی در این مقاله امیدهای تحقق نیافته مسیحیت و کمونیسم را مقایسه می کند و ما ترجمه متن آلمانی مقاله را - کمی کوتاه شده با تیر دیگر - انتشار می دهیم این مقاله می تواند بخشی از تفکر حاکم بر جوامع غربی را برای ما به پیش نما بیاورد.

پیش گویی های تحقق نیافته، اغلب خواندنی و الهام بخش هستند. دو نمونه آن انجیل عیسی مسیح و مانیفست کمونیستی است. پیام آوران هر دو کتاب، بشارت خود را پیش گویی رویدادهای آینده نام نهادند - نوعی پیش بینی که بر آگاهی برتر نیروهایی تکیه دارد که مسیر آینده تاریخ بشری را مشخص می سازد. هر دو پیش گویی تا به حال از وادی وعده فراتر نرفته و باسکست کامل روبرو شده اند. در هر دو مورد ادعای دانش و شناخت بی بدیل، تمسخر بسیار را سبب شده است.

مسیح بازنگشته است. کسانی که امروز ادعا دارند، او دیگر ما را از این بیشتر به انتظار نخواهد گذاشت و بهتر است که خود را برای استقبال او آماده کنیم و بی درنگ به این فرقه و یا آن کلیسا بپیوندیم، به حق با ناباوری همگانی روبرو می شویم. گو اینکه کسی نمی تواند ثابت کند که عیسی مسیح واقعاً روزی باز خواهد آمد تا با آمدنش دلیلی تجربی برای انسان شدن خدا ارائه دهد. اما ما برای ظهور مسیح سالهای درازی است که انتظار می کشیم.

از سوی دیگر نیز کسی نمی تواند ثابت کند، که مارکس و انگلس راه خطا رفته اند، زمانی که بیان داشته اند: «... بورژوازی آن سلاح هایی را ساخته است که برای خود او مرگ آفرینند». چرا که این امکان وجود دارد در سده آینده، روند استحاله مداوم پرولتاریای اروپایی و

امریکایی به علت جهانی شدن^(۱) بازارکار متوقف شود. گذشته از آن امکان پذیر است، که این پیش گویی به حقیقت بپیوندد: «بورژوازی قادر به ادامه سلطه گری نیست. چرا که ناتوان از آن است که حداقل معیشت بردگان خود را، حتی در محدوده برده داری تامین نماید.» و شاید در یک چنین حالتی کاخ سرمایه داری فروریزد و پرولتاریایی پیشرو و با تقوا قدرت را به دست گیرد. از سوی دیگر سرمایه داری در روزگاران گذشته بحران های بسیاری را از سر گذرانده است، و مدت مدیدی است که ما حضور این پرولتاریای آگاه و متقی را انتظار می کشیم.

هیچ یک از کسانی که ظهور مسیح را به سخره می گیرند نمی توانند مطمئن باشند، آن چه را که پیروان پابرجای مسیح به عنوان «نوسازی انسان در هیبت عیسی» می نامند، درحقیقت تجربه دلپذیر استحاله درونی انسان نباشد. با وجود این، رفتار کسانی که مدعی هستند با استحاله زندگی دوباره یافته اند برخلاف انتظار ما با رفتار گذشته آنان تفاوت روشنی ندارد. ما زمان درازی است که انتظار آن داریم که مسیحیان در روزگار رفاه رفتاری متقی تر از کافران مرفه داشته باشند.

از سوی دیگر ما نمی توانیم مطمئن باشیم که عاقبت روزی فرا نرسد که آرمان نوینی در افق ظاهر گردد و به جای ایده آل هایی بنشیند که

مارکس و انگلس از آن با استهزاء زیر عنوان «شخصیت و استقلال و آزادی بورژوازی» یاد کرده اند. ولی ما هنوز بی صبرانه انتظار می کشیم تا نظام هایی که خود، خود را «مارکسیست» می نامند برای ما توضیح دهند که این ایده آل نوین چه شکلی دارد و چگونه تحقق می یابد. تا به حال یک چنین رژیم هایی در کل بازگشت به دوران بربریت پیش از روشننگری بوده اند و هرگز حتی نشانه ای از مراحل اولیه نظام خود به دست نداده اند.

در میان ما بی تردید هنوز کسانی وجود دارند که کتاب مقدس مسیحیان را با دقت می خوانند تا از آن چه که در چند سال یا دهه های دیگر بر ما خواهد گذشت با خبر شوند. زمان نه چندان درازی پیش از این، بسیاری از اندیشه وران ما نیز مانیفست کمونیستی را با هدفی مشابه قرائت می کردند. همان گونه که مسیحیان ما بر اغماض اعمال پیروان گناهکار مسیح می خواندند و تاکید می کردند که قضاوت درکار عیسی با نگاه به خطای خدمت گزاران دامن آلوده او منصفانه نیست، مارکسیست ها نیز مصرانه مدعی بودند که رژیم های «مارکسیستی» واقعاً موجود جز بدل مسخره ای از آن چه مارکس درحقیقت خواستار آن بود، نیستند. اندک کسانی که هنوز خود را مارکسیست می نامند اعتراف می کنند که احزاب کمونیستی به قدرت رسیده لنین و مائو و کاسترو به هیچ وجه شباهتی با پرولتاریایی نداشته که مارکس در رویای خود آن ها را شایسته قبضه کردن قدرت می دید، این احزاب کمونیستی بیشتر تنها ابزار سلطه گری خودسالاران^(۲) و چندسالاران^(۳) بوده اند. با وجود این می تواند روزی حزبی انقلابی تشکیل شود - حزبی که پیروزی آن، آن آزادی را خواهد آورد که به روشنی از «آزادی بورژوازی» قابل تمیز است. آن چنان که بشارت مسیح که قانون عمل ما را تنها عشق می داند از کتاب سوم موسی که چشم

شکنجه و
بازجویی
KGB (۶)
در
شوروی
سوسیالیستی،
که در آن‌ها
شهوت
آزمندی و
خودپسندی
دین‌سالاران
مسیحی
و مکتب
سالاران



حزب کمونیست ارضا می‌شد باید ما را از آن بازدارد که حاکمیت و قدرت را به کسانی بسپاریم که ادعا دارند می‌دانند خدا، یا تاریخ، سرنوشت بشری را چگونه رقم زده است و برای ما در آینده چه می‌خواهد. اما بین دانستن و آرزو کردن تفاوت اساسی وجود دارد. اغلب امید آن چنان که در این دو کتاب آمد شکل پیش‌گویی کاذب به خود می‌گیرد. با وجود این امید به عدالت اجتماعی به عنوان تنها اساس زندگی شایسته انسان باقی می‌ماند.

مسیحیت و مارکسیسم هنوز هم قادرند مصیبت‌های بزرگی به وجود آورند چرا که هم کتاب مقدس و هم مانیفست کمونیستی امروزه نیز می‌تواند بازچه دست قدیسان دروغین و گانگسترهای خودکامه عالم سیاست قرار گیرد. کوتاه آنکه بهتر آن است که به هنگام خواندن کتاب‌های یاد شده کسانی را که خود را مفسران این متون می‌نامند نادیده بگیریم. بهتر آن است که پیش‌گویی کتاب‌ها را نیز بدست فراموشی بسپاریم و فقط پیام‌های امید‌آور را در مرکز توجه قرار دهیم. ما باید این کتاب‌ها را به عنوان اسنادی الهام‌بخش بدیده بگیریم. ندایی بر آن شناسه‌ای که آبراهام لینکلن آن را «بهترین فرشته وجود ما» نامیده است ولی نه به عنوان ترسیم قطعی مسیر همه‌ی آن وقایعی که برای جامعه بشری پیشاپیش معین شده است.

اگر ما اصطلاح «مسیحیت» را شناسه ندای وجدانی نه ادعای حکمت ازلی بدانیم آنوقت هنوز هم می‌تواند از این واژه نیرویی برآید در خدمت پاس‌حیثیت انسانی و برابری. از این دیدگاه «سوسیالیسم» نیز مفاهیم مشابه بسیاری را به دست می‌دهد: امروزه هیچ‌کس نمی‌تواند پیام برابری مسیحیت را قبول کند بدون آن که

که این ابزارکار را درجهان سوم برای ما می‌سازند. ما باید این حساسیت را در فرزندان خود تقویت بکنیم که هراسان و غمگین شوند زمانی که می‌بینند کشورهایی که زودتر صنعتی شده‌اند صدها بار ثروتمندتر از کشورهای هستند که هنوز صنعتی نشده‌اند. فرزندان ما باید از کودکی بکوشند تا دریابند که این نابرابری خوشبختی آنان و بدبختی کودکان دیگر نه اراده آفریدگاری و نه بهای ضروری کارایی اقتصادی، بلکه تنها یک تراژدی پرهیزپذیر است. این کودکان باید هرچه زودتر در این زمینه به تفکر پردازند که چگونه می‌توان دنیا را به گونه‌ای دگرگون ساخت که کسی گرسنه سربربالین نگذارد، آن هم زمانی که دیگران از پرخوری به تقریب درحال خفه شدن هستند. جوانان باید هر دو کتاب را بخوانند - بشارت مسیح را که از برادری انسان‌ها سخن می‌گوید و کتاب مارکس و انگلس را که بیان می‌دارد، چگونه سرمایه‌داری صنعتی و بازارهای آزاد به شدت راه را بر برادری انسانها می‌بندد و تحقق آن را مشکل می‌کند. آن‌ها باید دریابند که چگونه زندگی آن‌ها مفهوم می‌یابد، زمانی که در راه تحقق آن نیروی اخلاقی بکوشند که استعداد ما را در مشارکت با دیگران درراه تفاهم در برآوردن امیدها و انتظارات ما شکل می‌دهد. آن‌ها باید هم از اجتماع مسیحیان در کاتاکمب (۴) آگاه شوند و هم از تظاهرات کارگران در گوشه و کنار شهرها.

الهام بخشی کتاب مقدس و مانیفست کمونیستی از این رو کاستی نمی‌گیرد که به نام این هر دو میلیون‌ها انسان صادق را برده ساختند، شکنجه دادند و به مرگ برآمده از گرسنگی و فقر کشانند. به یاد آوردن دخمه‌های خوف‌آور انکیزیسیون (۵) کلیسا و سلول‌های

در برابر چشم را تقاضا می‌کند تمیزپذیر است. بیشتر ما دیگر نمی‌توانیم این وعده به آینده را که مسیحیان و مارکسیست‌ها به ما می‌دهند جدی بگیریم و باور کنیم. ولی با وجود آن از توسل به انجیل و مانیفست کمونیستی دست بر نمی‌داریم چرا که در جستجوی الهام و امیدی هستیم. هر دو کتاب مفسر این امید مشابه است. که ما روزی آماده و قادر خواهیم شد که نیازهای همه‌ی انسان‌ها را با احترام و تقدسی گردن نهیم و برآورده سازیم که به خواست‌های نزدیکان خود می‌نگریم.

هر دو کتاب در طول این سالها نیروی الهام بیشتری بدست آورده‌اند. چرا که هرکدام از آن‌ها سند برپایی جنبشی بوده‌اند که در راه آزادی انسان و برابری در میان آنان بسیار موثر افتاده‌اند. با توجه به افزایش سریع جمعیت که از سال ۱۸۴۸ روی داده است می‌توان این فرضیه را عنوان کرد که هرروز زنان و مردان جسور و از خود گذشته بیشتری رغبت می‌یابند که جان و خوشبختی خود را به بازی بگیرند تا نسل آینده را از زجر بی‌فایده برکنار دارند. در موقعیت کنونی احتمالاً به یک اندازه شهدای مسیحی و سوسیالیست وجود خواهد داشت، زمانی که امید بشری در برابر جنگ‌افزارهای انسان براندازه اتمی و میکروبی، افزایش بی‌حساب جمعیت، جهانی شدن بازار کار و حوادث بنیان‌کن زیست‌محیطی صف می‌کشد.

همانگونه که هنوز میلیون‌ها انسان انجیل را می‌خوانند بدون این که از خود پرسند آیا روزی عیسی مسیح ظهور خواهد کرد، همان طور هم انسان‌های دیگری مانیفست کمونیستی را با این امید و ایمان در دست دارند که عدالت اجتماعی واقعی، بدون انقلابی که مارکس پیش‌بینی کرده است، قابل تحقق خواهد بود. این انسان‌ها امید و ایمان دارند که جامعه بی‌طبقه، دنیایی که «در آن تعالی آزاد هر فرد تنها شرط تعالی آزاد همگان می‌باشد» حاصل حرکت جامعه انسانی در جهتی باشد که مارکس آن را با نام «اصلاح‌طلبی پورژوازی» کم بها داده است. والدین و آموزگاران باید جوانان را ترغیب کنند که هر دو کتاب را بخوانند. این کتاب خوانی به پیشبرد رفتار اخلاقی جوانان کمک می‌کند.

ما باید فرزندان خود را چنان پرورش دهیم که این را بی‌عدالتی و تحمل‌ناپذیر بدانند که ما پشت میز نشینان و کامپیوترچی‌ها در مقایسه با کسانی که آبریزگاه‌ها را تمیز می‌کنند ده‌ها بار بیشتر مزد می‌گیریم. و صدها بار بیشتر از کسانی

هم زمان بر این امید پافشارد که دولت‌های مردم سالار باید به توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع مالی همت گمارند، کاری که بازار آزاد هرگز قادر به انجام آن نیست. کسی نمی‌تواند دستور اخلاقی مسیحیت را جدی بگیرد بدون آن که ضرورت یک چنان توزیع عادلانه را با همان تاکید تأیید نکند.

اگر چه مانیفست کمونیستی کهنه به نظر می‌رسد ولی هنوز هم به نحو شگفت‌انگیزی درس‌های مهمی را که در روند وقفه‌ناپذیر سرمایه‌داری صنعتی شاهد بوده‌ایم بیان می‌دارد: سقوط حکومت‌های استبدادی و استقرار مردم سالاری و قانون مندی برای تامین برابری و اعاده حیثیت انسانی کافی نیست. این واقعیت که ثروتمندان هر روز به ثروت بیشتری دست می‌یابند و فقرا را هر روز محتاج‌تر می‌سازند، امروز نیز چون سال ۱۸۴۸ صادق است. این حقیقت نیز که تنزل کامل کار انسانی به کالای تجارتمندی به فقر و درماندگی مزدبگیران می‌انجامد و «دولت مدرن ... فقط در حکم مجمعی [است] که مجموعه شرکت‌های تمامی طبقه سرمایه‌دار را تصدی می‌کند» به قوت خود باقی است.

جداسازی بورژوازی و پرولتاریا ممکن است به همان اندازه کهنه باشد که تفاوت بین مسیحی و کافر، ولی زمانی که ما «بورژوازی» را به مفهوم «بیست درصد ثروتمندترین» و «پرولتاریا» را به معنی «هشتاد درصد بقیه» استنباط کنیم، آن وقت بسیاری از جملات مانیفست را هنوز هم صادق و جاری می‌یابیم. از طرف دیگر فرضیه‌ای که تاریخ را «حکایت مبارزه طبقاتی» می‌شناسد چهره دیگری می‌یابد اگر ما این جمله را در این مفهوم بگیریم که در همه‌ی فرهنگ‌ها و در همه اشکال حکومتی و در هر موقعیت قابل تصور کسانی که حربه زر و زور را در اختیار دارند آن دیگران را فریب می‌دهند، تطمیع می‌نمایند و به آنها خیانت می‌کنند تا سلطه و خودکامگی خود و فرزندان خود را تامین نمایند و تداوم بخشند.

در این معنی نمایش اخلاقی تاریخ جز مقابله با سلطه‌گری و خودکامگی نیست. آنجا که مکتب مسیحیت دلایل الغای برده‌داری، و مقابله با نژادپرستی هیتلری را عرضه کرده است چهره روشن خود را نمایش می‌دهد. آنجا که مکتب مارکسیسم کمک می‌کند که آگاهی کارگران جلا یابد - به آنها نشان می‌دهد که چگونه فریب خورده‌اند - چهره انسانی

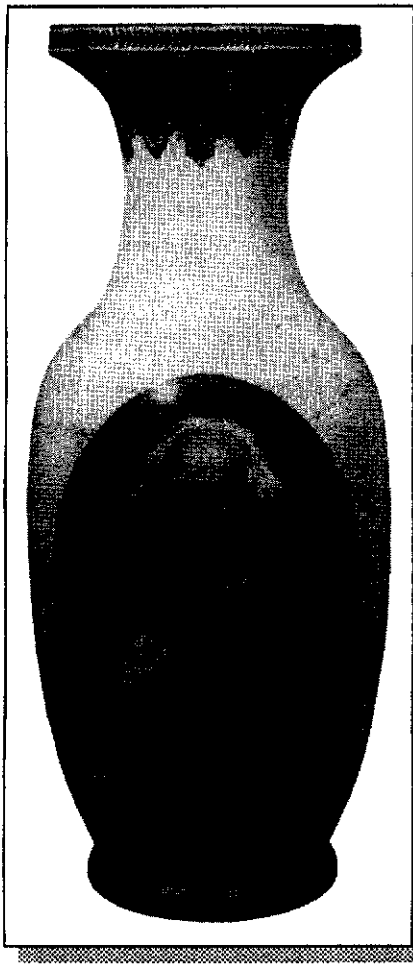
مارکسیسم ترسیم می‌گردد. و آن جا نیز که هر دو در پایان سده نوزدهم در اتحاد با یکدیگر جنبش اجتماعی - مذهبی را در امریکا برپا می‌دارند و یا زمانی که منشور پاپ از آرمانهای سوسیالیستی مایه می‌گیرد، مبارزه برای عدالت اجتماعی برجدل تدین و کفر غالب می‌آید. ما باید کتاب مقدس را در جوهر اساسی آن تبیین کنیم: این پرسش که ما چگونه در دنیای خاکی با یکدیگر رفتار می‌کنیم، دوصد چندان مهم‌تر از حاصل بحث و جدلی است که در باره واقعیت و محتوای جهان دیگر صورت می‌گیرد.

جنبش سندیکایی، که مارکس و انگلس از آن به عنوان دوره گذر در راه برپایی احزاب انقلابی سیاسی یاد کرده‌اند خود را در طول زمان چونان تجسم الهام‌بخش‌ترین تقوای مذهبی یعنی نوع دوستی و فداکاری نشان داده است. به فراز آمدن سازمان‌های صنفی کارگری از نظر اخلاقی امید آفرین‌ترین رویداد زمان ما است.

مانیفست کمونیستی الهام‌بخش بسیاری از بنیان‌گذاران سندیکای بزرگ کارگری بود. با تکیه بر بشارت آن میلیون‌ها انسان برای مقابله با شرایط تحقیرکننده کاری و دستمزدهای ناچیز اعتصاب می‌کردند و به خیابان‌ها می‌ریختند. این نوشته‌ها اعتقاد کارگران اعتصابی را تقویت می‌کردند که فداکاری آنان - ثابت قدمی آنان در مقابله با افزون طلبی سرمایه‌داران به بهای گرسنگی فرزندانشان - بی‌پایه نیست.

سندی که یک چنین حرکتی را سبب می‌شود برای همیشه در زمره ذخایر اندیشه‌وری و میراث فکری ما جای دارد. چرا که مانیفست آن وجوهاتی را به رقم کشید که کارگران به تجربه عملی رفته رفته بر آن وقوف یافتند: وقوف بر اینکه کارگر معدن «به جای آن که با پیشرفت صنایع به فراز آید... حتی از شرایط طبقه خود فروتر می‌افتد»، اروپا و امریکا حداقل در مقطعی - به برکت جسارت کارگران - از این خطر برکنار ماندند. کارگرانی که این جرأت را یافتند که سهم خود را از قدرت سیاسی طالب شوند. اگر آنان به انتظار نوع دوستی مسیحی و یا خیرات کسانی می‌ماندند که بر آنان حاکم بودند بدون تردید فرزندانانشان امروز نیز در نادانی و بدغذایی زندگی می‌کردند. احتمالاً حملات کتاب مقدس و مانیفست کمونیستی انسان‌ها را به یک اندازه جرأت و الهام‌بخشید. اما از جنبه‌های مختلف، مانیفست کتاب بهتری برای نسل جوان است. کتاب مقدس به عصر قدیم تعلق دارد و بر اعتقادات

آن زمان فیلسوف‌های یونانی تاکید می‌کند. بر مبنای این اعتقادات، شرایط اجتماعی زندگی انسانی هیچگاه به گونه‌ای بنیادی تغییر نمی‌کند و همیشه فقرا و شاید هم بردگان در میان ما خواهند بود. از این رو کتاب مقدس توجه خود را از آسایش این دنیایی به امید زندگی راحت دنیای دیگر معطوف داشته است. بدین ترتیب



کتاب مقدس، آرمان شهر خود را در آن دنیا جستجو می‌کند.

ما امروزی‌ها بر قدیمی‌ها - خواه کافر و خواه مسیحی - در این حد برتری داریم که آرمان شهر خود را در دنیای خاکی قابل تحقق می‌دانیم. در سده هیجدهم و نوزدهم در اروپا و امریکا جابه‌جایی شدید امید انسانی انجام شد: از دنیای جاودانی به آینده نزدیک، از گمان‌زنی در این باره که چگونه می‌توان رحمت خداوندی را مستوجه خودساخت به سوی برنامه‌ریزی زندگی خوشبخت نسل آینده. این خردگرایی که آینده انسان می‌تواند، - حتی بدون آن که نیروی

ماوراءطبیعه‌ای دخالت کند - متفاوت از گذشته او باشد در مانیفست کمونیستی به نحو شایسته‌ای بیان می‌گردد.

بهرتر از همه آن است که ما منبع جدیدی بیابیم که به فرزندان ما الهام و امید بخشد بدون آن که کاستی‌های کتاب مقدس و مانیفست را داشته باشیم. خوبتر آن بود اگر ما از هر دو کتاب متن اصلاح شده‌ای می‌داشتیم بدون آن احکامی که مدعی باشد که «همه چیز» باید بازساخته گردد و یا آن که «تنها با سرنگونی خشونت‌آمیز همه‌ی نظام‌های اجتماعی کنونی می‌توانیم به عدالت دست یابیم.» بسیار خوب بود اگر ما منبعی داشتیم که کم و بیش آرمان‌شهر موعود را برای ما بر می‌شمرد و تنها براین اکتفا نمی‌کرد که مدعی شود تنها به شرط آن که ما آن دگرگونی اساسی را به وجود آوریم - یعنی مالکیت خصوصی را ملغی داریم و یا عیسی مسیح در قلب خود جای دهیم - در یک چشم برهم زدن فرادست ما خواهد بود. کوتاه آن که بهترین راه این است که ما می‌توانستیم بدون پیام‌آوران و بدون توسل به

هم کتاب مقدس و هم مانیفست کمونیستی امروزه نیز می‌تواند بازپچه دست قدیمان دروغین و گانگسترهای خودکامه عالم سیاست قرارگیرد.

دانش بهتر نیروهایی که تاریخ را هدایت می‌کنند کارساز زندگی خود باشیم به شرط آن که امید پریکرت ما می‌توانست بدون تاکید آن چنان بابرجا بماند. شاید بتوانیم روزی یک چنین متنی

بگذاریم - متنی که بتواند با برهیز از پیش‌گویی، شوق برادری را در ما زنده دارد و به صراحت رفتار غیرانسانی ما را با یکدیگر برشمارد. تا آن روز باید شکرگزار دو کتابی باشیم که به ما کمک کردند تا در حدی بر خودپرستی سخیف و دیگر آزاری متمدنانه خود فائق آییم

برگردان: دکتر مسلم علیخانی

بی‌نوشت‌ها

- 1- Globalisierung
- 2- Autokraten
- 3- Oligarchien

- 4- Katakomben راه‌روهای زیرزمینی بود که جماعت مسیحیان در دوران اولیه برای دفن مردگان در آن اجتماع می‌کردند.
- 5- Inquisition سیستم تفتیش عقاید کلیسایی
- 6- سازمان امنیت و تفتیش عقاید در شوروی
- 7- Social Gospel Movement جنبشی که در کلیسا با خواندن سرودهای مذهبی - اجتماعی به همت سیاهان امریکا برای مقابله با تبعیض نژادی و فقر و بیکاری برپا گردید.

کنکور عمومی - ریاضی پیش‌دانشگاهی - دبیرستان راهنمایی - دبستان

مشور دانش

تست‌های

طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی

- | | | | |
|-------------------------------------|------------------------------|---|-----------------------------------|
| ■ زبان (۱) نظام جدید | ■ تست‌های کنکور ریاضیات جدید | ■ زیست پیش‌دانشگاهی (۲) | ■ کنکور معارف اسلامی و قرآن |
| ■ زبان (۲) نظام جدید | ■ ریاضیات (۱) نظام جدید | ■ فیزیک (۱) پیش‌دانشگاهی تجربی | ■ کنکور زبان عربی |
| ■ زبان (۳) نظام جدید | ■ ریاضیات (۲) نظام جدید | ■ فیزیک (۲) پیش‌دانشگاهی تجربی | ■ کنکور زبان انگلیسی |
| ■ زبان چهارم دبیرستان | ■ ریاضیات (۳) نظام جدید | ■ ریاضیات پیش‌دانشگاهی تجربی (۱) | ■ کنکور ادبیات فارسی |
| ■ ریاضی طبقه‌بندی شده اول راهنمایی | ■ ریاضیات (۴) نظام جدید | ■ ریاضیات پیش‌دانشگاهی تجربی (۲) | ■ کنکور زیست (جلد اول) |
| ■ ریاضی طبقه‌بندی شده دوم راهنمایی | ■ ریاضیات (۵) نظام جدید | ■ شیمی پیش‌دانشگاهی (۱) | ■ کنکور زیست (جلد دوم) |
| ■ ریاضی طبقه‌بندی شده سوم راهنمایی | ■ حسابان (۱) | ■ شیمی پیش‌دانشگاهی (۲) | ■ کنکور فیزیک تجربی |
| ■ راهنمای دروس اول راهنمایی | ■ حسابان (۲) | ■ حساب دیفرانسیل و انتگرال (۱) پیش‌دانشگاهی | ■ کنکور ریاضیات تجربی |
| ■ راهنمای دروس دوم راهنمایی | ■ فیزیک (۱) نظام جدید | ■ حساب دیفرانسیل و انتگرال (۲) پیش‌دانشگاهی | ■ کنکور شیمی آلی |
| ■ راهنمای دروس سوم راهنمایی | ■ فیزیک (۲) نظام جدید | ■ هندسه تحلیلی و جبر خطی پیش‌دانشگاهی | ■ کنکور شیمی معدنی (۱) |
| ■ راهنمای زبان دوم راهنمایی | ■ فیزیک (۳) نظام جدید | ■ ریاضیات گسسته | ■ کنکور شیمی معدنی (۲) |
| ■ راهنمای زبان سوم راهنمایی | ■ فیزیک (۴) نظام جدید | ■ فیزیک پیش‌دانشگاهی ریاضی (۱) | ■ کنکور جبر و آنالیز |
| ■ تمرین و تست زبان دوم راهنمایی | ■ شیمی (۱) نظام جدید | ■ فیزیک پیش‌دانشگاهی ریاضی (۲) | ■ کنکور هندسه |
| ■ تمرین و تست زبان سوم راهنمایی | ■ شیمی (۲) نظام جدید | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده معارف اسلامی | ■ کنکور ریاضیات جدید |
| ■ ریاضی طبقه‌بندی شده اول ابتدایی | ■ شیمی (۳) نظام جدید | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده زبان عربی | ■ کنکور فیزیک ریاضی |
| ■ ریاضی طبقه‌بندی شده دوم ابتدایی | ■ زیست (۱) نظام جدید | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده زبان انگلیسی | ■ کنکور مکانیک ریاضی |
| ■ ریاضی طبقه‌بندی شده سوم ابتدایی | ■ زیست (۲) نظام جدید | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده ادبیات فارسی | ■ کنکور فیزیک (جلد دوم) |
| ■ ریاضی طبقه‌بندی شده چهارم ابتدایی | ■ زیست (۳) جانوری | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده شیمی آلی | ■ کنکور عربی نظام جدید |
| ■ ریاضی طبقه‌بندی شده پنجم ابتدایی | ■ زیست (۴) گیاهی | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده شیمی معدنی جلد اول | ■ کنکور منطق و فلسفه |
| ■ راهنمای دروس سوم ابتدایی | ■ ادبیات فارسی (۱) | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده شیمی معدنی جلد دوم | ■ کنکور تاریخ علوم انسانی |
| ■ راهنمای دروس چهارم ابتدایی | ■ ادبیات فارسی (۲) | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده زیست‌شناسی (۱) | ■ کنکور جغرافیا علوم انسانی |
| ■ راهنمای دروس پنجم ابتدایی | ■ ادبیات فارسی (۳) | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده زیست‌شناسی (۲) | ■ کنکور علوم اجتماعی علوم انسانی |
| ■ سؤالات امتحانات دروس اول راهنمایی | ■ ادبیات فارسی (۴) | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده ریاضیات تجربی | ■ کنکور ریاضی و آمار |
| ■ سؤالات امتحانات دروس دوم راهنمایی | ■ ادبیات فارسی (۵) | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده فیزیک جلد اول | ■ عربی پیش‌دانشگاهی (علوم انسانی) |
| ■ سؤالات امتحانات دروس سوم راهنمایی | ■ عربی (۱) نظام جدید | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده فیزیک جلد دوم | ■ زبان پیش‌دانشگاهی (۱) |
| | ■ عربی (۲) نظام جدید | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده مکانیک | ■ زبان پیش‌دانشگاهی (۲) |
| | ■ عربی (۳) نظام جدید | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده جبر و آنالیز | ■ ادبیات پیش‌دانشگاهی (۱) و (۲) |
| | ■ عربی (۴) نظام جدید | ■ تست‌های طبقه‌بندی شده هندسه | ■ زیست پیش‌دانشگاهی (۱) |